

استاد قرائتی



نقدی بر ماجرای خیالی موسی و شبان مولوی
از قرآن کریم

نقدی بر ماجرای خیالی موسی و شبان مولوی از قرآن کریم

می فرمود به خدا که نماز را بگذار خودم بخوانم، خب بخوانم یک رکعت نماز، چی چی می گویی به خدا؟

تازه می شویم مثل من آن چوپانی که: «دید موسی آن شبانی را به راه...» البته من این شعر را هم نقد کردم در برنامه هام، این شعر غلطه؛ مبناش غلطه، یعنی با قرآن و روایات و عقاید ما نمی سازد، به خاطر این که قرآن یک جایی دارد خیلی تند برخورد می کند با افرادی، می فرماید که: «تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ...»

آسمان ها نزدیک اند که بشکافند، «و تَنْشَقُّ الْأَرْضُ...»

و زمین بشکافه، «وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا»

و کوه بشکافه، می گوئیم چی شده که زمین و بشکاف، آسمان و بشکاف، کوه و بشکاف؛ چی شده؟!

می گوید «أَنْ دَعَوْا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا»

گفتن خدا جسم و اولاد دارد!

اگر کسی بگوید خدا جسم هست، [یا] اولاد دارد، این قدر حرف بد است که زمین و آسمان بشکافه جا دارد، این آیه قرآن است.

حالا یک چوپان فکر می‌کند خدا جسم هست، می‌گوید کجایی سرت را شانه کنم، چارقد سرت کنم، نمی‌دانم...

حضرت موسی دید این چوپان دارد فکر می‌کند خدا جسم است، دارد با خدای جسمی صحبت می‌کند، گفت این حرف‌ها چیست می‌زنی و این‌ها شرک هست و...

چوپان هم دیگر حرف نزد، خدا دعوا کرد به موسی! «چرا بنده ما را ز ما کردی جدا؟» برو بگو: «ما درون را بنگریم و حال را / نی برون را بنگریم و قال را»

بدو بهش بگو! خب حالا این حرف که غلط است که! اصلاً پیغمبرها آمدند جلوی این چرت و پرت‌ها را بگیرند؛ اگر کسی دارد دری‌وری می‌گوید، پیغمبر هم به وظیفه‌اش عمل کرده، گفته... حرف نزن، آن وقت خدا باید به پیغمبر بگوید آفرین! به وظیفه‌ات عمل کردی؛ جلو این چرت‌وپرت گرفتی، عوض این‌که به پیغمبر بگوید آفرین، به پیغمبر دعوا می‌کنه!

این شهر اصلاً ضد قرآن است، مثنوی گفته، مقام مثنوی محفوظ، اما: «إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ التَّقْلِينَ... كِتَابَ اللَّهِ وَ أَهْلُ الْبَيْتِ»، نگفته کتاب‌الله و اهل‌بیتی و مثنوی!

کتاب‌الله و اهل‌بیتی و سعدی و حافظ!

این شُعرای ما، عرفای ما، علمای ما، دانشمندان ما، همه محدودند، یعنی ممکن است یک چیزی هم بگویند که درست نباشد، اصلاً حوزه علمیه به خاطر همین است؛

آیت‌الله‌العظمی می‌رود روی منبر می‌شینند، می‌گویند شیخ صدوق همچین گفت لکن این اشکال بهش هست، شیخ انصاری چنین گفت لکن این اشکال بهش هست.

اصلاً حوزه علمیه درس خارج معنایش این هست که اقوال را نقل کن و نقد کن؛ این‌که حالا ما یک کسی را فکر کنیم چون ایشان حالا حرف‌های خوب خیلی دارد، پس هرچی گفت درسته [نه این‌طور نیست]. ما غذا را می‌خوریم، اگر تو غذا شِن بود، شِن را می‌ریزیم بیرون! نمی‌گوییم که نه بابا، همه عدس‌هاش خوبه، شِن‌ها را هم قاطیش می‌ذاریم ما!
- چون معیار داریم ما...

ما بله، قرآن می‌گوید آسمان بشکاف، زمین بشکاف، کوه بشکاف، می‌گوییم چی شده؟!

می‌گویند گفتند خدا جسم است؛ حالا یک چوپان می‌گوید خدا جسم هست، باید جلویش را گرفت.



[@aparat.com/be_sooye_zohoor](https://aparat.com/be_sooye_zohoor)



[v_bagherpour_kashani](https://www.instagram.com/v_bagherpour_kashani)



[@seratehagh1](https://t.me/seratehagh1)



[besouyezohour](https://www.besouyezohour.com)



[bagherpour-kashani.com/](https://www.bagherpour-kashani.com/)



[@serat12k](https://www.serat12k.com)



[youtube.com/c/seratehagh](https://www.youtube.com/c/seratehagh)



<https://naakhodaa.ir>